

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۱۴

نویسنده: ن . جلیل زاد

آتش در خانه دانش افشانامه‌ای بی‌پرده



جنایت فرهنگی جهادی ها در کابل در زمان حاکمیت ملا ربانی اخوانی.

تاریخ، گاهی چنان جنایتی می‌بیند که قلم از نوشتنش شرم می‌کند ، نه از ترس، بلکه از درد. آنچه در سال‌های حاکمیت ملا ربانی اخوانی و جنگسالاران جهادی بر پوهنتون کابل گذشت، از آن جنایت‌هاست .

جنایتی که نه با گلوله، بلکه با آتش انجام شد ، آتشی که کتاب می سوزاند، اندیشه می سوزاند، و آینده‌ای را که هنوز متولد نشده بود، در خاکستر خود دفن می‌کرد.

دو میلیون کتاب ، بگذارید این عدد را یک لحظه در ذهن نگه داریم .

دو میلیون کتاب .

دو میلیون صدای انسانی که نوشته شده بودند تا فراموش نشوند، تا نسل به نسل منتقل شوند، تا فرزندان این خاک بدانند که پدرانشان

می اندیشیدند، می‌آفریدند، وجود داشتند ، همه در آتشی سوختند که دست های آلوده‌ای روشنش کرده بودند .
پنجصد ژورنال علمی که سال ها دانش در آنها انباشته شده بود، هفت هزار رساله تحقیقاتی که هر کدام عمری از تلاش و بی‌خوابی و عشق به دانستن بودند، دو هزار نسخه خطی تاریخی که تنها شاهدان صادق تمدن چند هزار ساله این سرزمین بودند ، همه، همه، در آن آتش لعنتی ملا ربانی لعنتی خاکستر شدند .

این جنایت را چه باید نامید؟

جهل؟

نه، جهل این قدر سازمان یافته نیست. وحشیگری؟ ، نه، حتی وحشی به کتاب کاری ندارد .

این جنایت یک نام دارد و باید با صراحت گفته شود: ترس. ترس از دانش .

ترس از اندیشه .

ترس از انسانی که کتاب خوانده و دیگر فریب نمی خورد .

ملا ربانی و جنگسالارانش می دانستند که قدرتشان بر جهل مردم بنا شده است ، و کتابخانه ای که می سوزد، یعنی یک نسل دیگر در تاریکی خواهد ماند .

یعنی یک نسل دیگر را می توان فریفت، یک نسل دیگر را می توان به جنگ فرستاد، یک نسل دیگر را می توان به نام خدا قربانی کرد.

بیست و یک میلیون ساعت درسی ضایع شد. بیست و یک میلیون ساعت ، اگر این ساعت ها را پشت سر هم بگذاریم، بیش از دو هزار سال می شود .

دو هزار سال از عمر دانش این ملت، در چند سال به باد رفت .

پوهنتون کابل پنجاه میلیون دالر زیان دید، پوهنتون حربی صد میلیون، پولی تخنیک پنجاه میلیون، و پوهنتون هوایی دفاعی دوصد میلیون دالر .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اما این اعداد ، هرچقدر هم که گیج‌کننده باشند ، تنها بخشی از حقیقت را می‌گویند . حقیقت بزرگ تر را عدد نمی‌توان گفت: وقتی متعلم و محصلی کتابش را از دست می‌دهد، وقتی استادی دست‌نوشته‌های عمرش را در آتش می‌بیند، وقتی ملتی از ریشه‌هایش قطع می‌شود ،این زیان را هیچ دالری نمی‌تواند اندازه بگیرد.

و آن چهل و چهار هزار کتاب چاپ‌شده و پنج هزار کتاب ناچاپ پوهنخی طب ، آنها را به یاد بیاورید . در آن کتاب‌ها، درمان بیماری‌هایی بود که مردم از آنها می‌مردند . در آن کتاب‌ها، دانشی بود که می‌توانست جان کودکانی را نجات دهد . در آن کتاب‌های ناچاپ، افکاری بود که هنوز به دنیا نیامده بودند ، و با آتش آن روز، دیگر هرگز به دنیا نیامدند . کجا رفتند آن داکتر ها و طبیبان که در شفاخانه‌ها ایستاده بودند و کتابی نداشتند؟ کجا رفتند آن مریضانی که به خاطر این جهل و جنایت سازمان‌یافته، درمان نشدند؟ این را هم باید در حساب ملا ربانی و یارانش نوشت . صد و پنجاه و سه هزار کتاب انجمن نویسندگان نیز چپاول شد . یعنی صداهای نویسندگانی که با قلم زندگی کرده بودند، دزدیده شد . یعنی ادبیات یک ملت، یک شبه، از خانه اش رانده شد . و این همه در حالی بود که ربانی و جنگسالاران، هر روز نام خدا را بر زبان داشتند ، همان خدایی که اولین کلمه‌اش «بخوان» بود، و اینان کتاب‌هایی را می‌سوزاندند که نوشته شده بودند تا خوانده شوند. ملا ربانی و جنگسالاران رفتند ،یا می‌روند ، اما این آتش هنوز دود می‌کند . هنوز نسل‌هایی هستند که از آن خلأ رنج می‌برند، هنوز دانشی هست که باید دوباره از صفر ساخته شود، هنوز خطی نسخه‌هایی هست که دیگر هرگز بازنخواهند گشت . تاریخ این جنایت را خواهد نوشت ، حتی اگر خود آنها کتاب‌های تاریخ را هم سوزانده باشند. چون حقیقت، برخلاف کاغذ، نمی‌سوزد.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد